



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
کمیته پدافند غیر عامل

کلام اقوی



گزیده بیانات رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی در باره‌ی
درس‌ها و عبرت‌های فتنه‌ی سال ۱۳۸۸

ویژه‌ی فرهنگیان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

کلام‌آفتاب

گزیده بیانات رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی در باره‌ی
درس‌ها و عبرت‌های فتنه سال ۱۳۸۸

ویژه‌ی فرهنگیان

فهرست

۵

مقدمه

روز اول: امیدوار کردن دشمن
(رهنمودهای معظم له در دیدار با مردم گیلان)

۶

۸

روز دوم: شکاف بین ملت
(رهنمودهای معظم له در دیدار با مردم اصفهان)

۹

روز سوم: قصد عجیب فتنه گران
(رهنمودهای معظم له به مناسبت روز سیزدهم آبان)

۱۰

روز چهارم: دگرگون جلوه دادن واقعیات
(رهنمودهای معظم له در دیدار با بسیجیان قم)

۱۱

روز پنجم: بیش فعالی جبهه استکبار
(رهنمودهای معظم له در دیدار ایشان با خبرگان رهبری)

۱۳

روز ششم: ایستادگی مردم
(رهنمودهای معظم له در دیدار ایشان با خبرگان رهبری)

۱۴

روز هفتم: اخلاص در کنار بصیرت
(بیانات در اجتماع یکصد و ده هزار نفری بسیجیان در روز عید غدیر)

۱۵

روز هشتم: کشور واکسینه شد
(بیانات رهبر معظم انقلاب در سالروز ولادت امام رضا(ع) در شهر قم)

۱۷

روز نهم: بصیرت، شرط لازم و غیر کافی!
(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان و دانشجویان قم)

۱۸

روز دهم: غلبه با هاست
(بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ماه)

مقدمه

سخنان روشنگرانه‌ی سال جاری رهبر معظم انقلاب اسلامی در تحلیل فتنه‌ی سال ۸۸ و ادامه‌ی آن (در مناسبت‌ها و دیدارهای متعدد)، برای آحاد ملت ایران، به خصوص فرهنگیان عزیز آموزه‌هایی بصیرت‌ساز بوده و هست.

کمیته پدافند غیرعامل وزارت آموزش و پرورش افتخار دارد که فشرده‌ای از پیام‌های ده روز و ده دیدار از آن مناسبت‌ها را در این مجموعه تقدیم نماید.

افشای توطئه‌ی فتنه‌گران در امیدوار کردن دشمن، ایجاد شکاف بین ملت ایران و بیان قصد فتنه‌گران در دگرگون کردن واقعیت‌های کشور، بخشی از این سخنان است. هم چنین بیش فعالی جبهه‌ی استکبار در این عرصه و ایستادگی مقتدرانه‌ی مردم در واکنش به فتنه و برخورداری آنان از اخلاص و بصیرت - بصیرتی همراه با عزم و اراده عملی - که تضمین کننده‌ی غلبه‌ی حق بر باطل است، بخش‌های دیگری از این پیام حیاتی است.

آگاهی و بصیرتتان روز افزون باد

درس‌ها و عبرت‌ها

امیدوار کردن دشمن

فتنه‌ی سال گذشته جلوه‌ای از توطئه‌ی دشمنان بود؛ فتنه بود. فتنه یعنی عمل کسانی که شعارهای حق را با محتوای صددرصد باطل برای فریب دادن مردم بیاورند، مطرح کنند. اما ناکام شدند. هدف از ایجاد فتنه، گمراه کردن مردم است. شما ملاحظه کنید؛ مردم ما در مقابله‌ی با فتنه، خودشان به پا خاستند. نهم دی در سرتاسر کشور مشت محکمی به دهان فتنه‌گران زد. این کار را خود مردم کردند. این حرکت - همان طوری که گویندگان و بزرگان و همه بارها گفته‌اند - یک حرکت خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این حرکت نشانگر بیداری و هوشیاری مردم است. دشمنان ما باید این پیام را بگیرند. آن کسانی که خیال می‌کنند می‌توانند میان نظام و میان مردم جدائی بیندازند، ببینند و بفهمند که این نظام، نظام و مال مردم است. امتیاز نظام ما به این است که متعلق به مردم است. آن کسانی که با همه‌ی وجود نظام جمهوری اسلامی، اسلام و این پرچم برافراشته را در این کشور نگه داشته‌اند، در درجه‌ی اول خود مردم‌اند؛ دشمنان ما این را بفهمند. سردمداران دولت‌های مستکبر - و در رأس آن‌ها آمریکا - علیه ملت ما حرف زده، توطئه کرده، گاهی شعار می‌دهند، گاهی اظهارات مزوّرانه می‌کنند، گاهی صریحاً دشمنی می‌کنند، گاهی در لفافه می‌برند؛ این‌ها همه برای این است که تحلیل درستی از مسائل ایران و شناخت درستی از ملت ایران ندارند. ملت ما ملت بیدار و هوشیاری است.

من می‌خواهم توصیه و تأکید کنم؛ ملت باید این همت را حفظ کند. ما امسال گفتیم همت مضاعف؛ خوشبختانه در سرتاسر کشور نشانه‌های همت مضاعف در کارهای گوناگون دیده می‌شود. مسئولان کشور، بزرگان، مدیران عالی‌رتبه در بخش‌های مختلف کارهای خوبی می‌کنند. خیلی خوب، این همت مضاعف کار لازمی است؛ اما همت مضاعف فقط مال امسال نیست؛ همت مضاعف باید به طور مستمر وجود داشته باشد. ملت عزیز ما باید آن‌چنان حرکت کند و آن‌چنان قله‌هائی را فتح کند که دشمنان از دست یافتن بر سرنوشت این ملت به کلی مأیوس شوند. باید دشمن را مأیوس کنید. وقتی دشمن مأیوس شد، یک ملت از شرّ او خلاص خواهد شد.

گناه بزرگی که برخی از دست‌اندرکاران فتنه‌ها در کشور انجام می‌دهند، امیدوار کردن دشمن است؛ دشمن را امیدوار می‌کنند که می‌تواند منفذی در بین مردم، در بین عوامل گوناگون، در بین مسئولان نظام باز کند. دشمن سال گذشته با کارهای این‌ها امیدوار شد؛ در حالی که آن انتخابات عظیم، آن حضور به

آن عظمت، آن شرکت عظیم مردم در انتخابات، می‌توانست کار را خیلی پیش ببرد و ملت ایران را در بسیاری از میدان‌های سیاسی موفق کند. لذا دشمن که از حرکت عظیم مردم مأیوس می‌شد، فتنه گران ایجاد فتنه کردند، امیدوار شد که بتواند به انقلاب صدمه و ضربه بزند.

چالش عظیمی بود، دشمن از آن طرف حمایت و کمک سیاسی بکند، اسم بیاورد - دشمن از فتنه گران اسم بیاورد - ملت ایران از این طرف با استحکام کامل در صحنه باشد. همان‌طور که ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت سال از خود ابتکار، شجاعت، فداکاری و در همه‌ی صحنه‌ها حاضر شد، در این جنگ نرم هم هشت ماه ملت ایران حقیقتاً از خود مهارت نشان داد. انسان وقتی به مسائل نگاه می‌کند و می‌خواهد از یک افق بالاتری مسائل را بررسی کند، متغير می‌ماند: این چه دست قدرت الهی است که این جور دل‌های ما را، جان‌های ما را به سمت اهداف خودش حرکت می‌دهد؟ کار خداداست. خدا با شماست. **این خداد است که شما را هدایت**، که دل‌های من و شما را متوجه به راه درست می‌کند!



شکاف بین ملت

در سال گذشته ملت ایران از یک امتحان و از یک فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که همه بفهمند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهم‌تر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت یک وضع جدیدی پیدا کرده و یک توانائی تازه‌ای در او به وجود آمد. تمام طول عمر انسان، قدم به قدم امتحان‌هاست. اگر ما بتوانیم بر هوای نفس خود غالب بیائیم، بتوانیم بصیرت خود را به کار بگیریم، بتوانیم موقع را بشناسیم، بدانیم کار لازم چیست و آن را انجام دهیم، این در ما یک مرتبه‌ی جدیدی از حیات به وجود می‌آورد؛ این یک تعالی و یک ترقی است.

برای مقابله‌ی با یک چنین ملتی، این‌ها هم به همین نکته‌ای که شما به آن توجه کردید، توجه می‌کنند: ایجاد شکاف در میان ملت، به جان هم انداختن آحاد ملت، فاصله ایجاد کردن بین توده‌ی عظیم مردمی با مسئولین کشور، ایجاد سوء‌ظن و بگومگو بر سر قضایای هیچ و پوچ. یکی از مهم‌ترین اقوام دشمنی دشمنان با انقلاب اسلامی این است؛ باید مراقب بود.

البته اصفهانی‌ها مراقبت و در قضایای گذشته خوب عمل کردند. در برابر فتنه‌ی ۸۸ در روز عظیم ۹ دی، در آن حرکت خودجوش مردمی، عملکرد درخشنانی داشتند. همه باید مراقب ایجاد شکاف، فتنه، بدینی نسبت به دستگاه باشند. این‌هائی که می‌بینید گوش و کnar، بدون هیچ قید و بندی، ملاحظه‌ای، نظام اسلامی را، دستگاه جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند؛ هرچه از دهنشان در می‌آید، به فیابت از دشمن می‌گویند؛ برای این‌که اگر صدای دستگاه‌های تبلیغاتی جبهه‌ی ضد اسلام و صهیونیست‌ها و آمریکائی‌ها به گوش کسی نرسید، این‌ها آنرا جبران کنند و همان حرف‌های آن‌ها را به گوش مردم برسانند و، این‌ها به ملت خیانت می‌کنند. همانا یک خیانت واضح است. بدین کردن مردم نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولینو خدمتگزاران و ایجاد فضای یأس‌آلود، یکی از راه‌های فتنه است.^۲



قصد عجیب فتنه‌گران

در میدان سیاسی، فتنه‌ی سال ۸۸ جوان‌های ما را خواباندند. بیش از عوامل گوناگون دیگر، جوان‌های ما، همین شما دانش‌آموزها، همین شما دانشجوها نقش داشتید؛ والا فتنه، فتنه‌ی بزرگی بود. من به شما عرض کنم؛ چند سالی که بگذرد، آن وقت قلم‌های بسته شده‌ی آگاهان بین‌المللی روان خواهد شد، باز خواهد شد، خواهند نوشت. ممکن است من آن روز نباشم، اما شماها هستید؛ خواهید شنید و می‌خوانید که چه توطئه‌ی بزرگی پشت فتنه‌ی سال ۸۸ بود. این فتنه خیلی چیز مهمی بود، قصدشان خیلی قصد عجیب و غریبی بود؛ در واقع می‌خواستند ایران را تسخیر کنند. این‌هائی که عامل فتنه بودند – توی خیابان، یا بعضی از سخن‌گویانشان – اغلب ندانسته وارد این میدان شده بودند؛ و دست‌هایی این‌ها را هدایت می‌کرد، اما نمی‌فهمیدند. حالا این که چطور بعضی‌ها وارد این میدان شدند، و ندانسته به دشمن کمک کردند، خودش تحلیل‌های دقیق روان‌شناختی دارد؛ اما واقعیت قضیه این است که عرض کردم. این مسئله خیلی کار بزرگی بوده و این کار را شما جوان‌ها به سامان رسانید.

توی صحنه بمانید عزیزان من! کشور مال شماست. این قله‌هایی که قبل‌اً گفتم، متعلق به شماست. در دورانی که شما به کمال سنی رسیدید، ان شاء الله این قله‌ها را خواهید دید و برای ملت خودتان افتخار خواهید آفرید. البته هیچ حرکتی هرگز تمام شدنی نیست. حرکت به سمت قله‌ها هم‌چنان ادامه دارد و هیچ وقت متوقف نمی‌شود. مهم این است که یک ملت یاد بگیرد، عادت کند و برای حرکت به سمت کمال و تعالی، عزم راسخ داشته باشند. این عزم نبایستی هیچ وقت سستی پیدا کند. امروز خوشبختانه جمهوری اسلامی و ملت عزیزی که پشت سر این جمهوری هستند و آن را پاسداری می‌کنند، از همیشه قوی‌ترند، و تواناترند. امروز راه ما از همیشه روشن‌تر است و می‌دانیم داریم چه کار می‌کنیم؛ می‌فهمیم به کجا داریم می‌رویم؛ دوستانمان و هم، دشمنانمان را هم می‌شناسیم.^۳



دَگَرْگُونْ جَلُوهَادَنْ وَاقِعِيَّاتْ

آن‌چه که برای فهم درست قضایا لازم است، از جمله این است که بینیم دشمن چه خطی را دارد دنبال می‌کند. امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن - که از عناصر مهم جنگ نرم به حساب می‌آید - این است که **وَاقِعِيَّاتْ رَا دَگَرْگُونْ جَلُوهَادَنْ** دهد، حوادث گوناگون را دگرگون جلوه می‌دهد. خود تبلیغاتی که دشمن در این زمینه انجام می‌دهد، نشانه‌ی ضعف اوست. دشمن هر جا که در میدان واقعیت دچار مشکل می‌شود و کم می‌آورد، بر حجم تبلیغات می‌افزاید. امروز اگر کسی کارهای دشمن را در عرصه‌ی عظیم شیوه‌های تبلیغاتی ملاحظه کند؛ از وسائل اینترنتی گرفته تا وسائل صوتی و تصویری، تا بلندگوهایی که در جاهای مختلف دارند - در داخل هم دارند - می‌بیند یک قلم عمدۀ این است که حوادث کشور را دگرگون جلوه دهنند؛ وضع کشور را مأیوس کننده، نالمید کننده، رو به زوال، رو به انحطاط، رو به بن‌بست نشان دهنند. تلاش زیاد آن‌ها در این زمینه، خود نشانه‌ی ضعف آن‌ها در میدان واقعیت است.

دشمن در همه‌ی دوران سی ساله، این تلاش را داشت؛ البته امروز بیشتر شده است. امروز چون مسئولین کشور و دولتی که بر سر کار هستند، شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح می‌کنند؛ خط امام، خط انقلاب، خط کار برای مردم، امروز کاملاً برجسته و پررنگ است؛ مسئولین احساس می‌کنند با مردم‌اند، از جنس مردم‌اند، مردم هم این را احساس می‌کنند، بنابراین تبلیغات بیشتر است. امروز اگر به تبلیغات دشمن نگاه کنید، می‌بینید اگر در مسائل اقتصادی اظهارنظر می‌کنند، همه‌ی حرفشان این است که بن‌بست است، گره ناگشودنی و اشکالات فراوان است، فردا چنین خواهد شد. یک عده‌ای هم این مسائل را باور کرده و همان‌ها را در داخل تکرار می‌کنند. قبل از شروع انتخابات و آن قضایای فتنه، بعضی از کسانی که بعداً امتحان خودشان را در فتنه دادند، به ما مراجعه می‌کردند که آقا سال آینده، سال سختی است - یعنی همان سال ۸۸ - از لحاظ اقتصادی چنین است، چنان است؛ فضا را تنگ، تاریک، مشکل، غیر قابل عبور جلوه داده تا مسئولین را یک جور و مردم را جوری دیگر دلسرب کنند. این تبلیغات نشانه‌ی این است که آن‌ها از این حرکت عظیم و پرشتاب مسئولین و مردم عقب ماندند. پس اگر چنان‌چه این جهت‌گیری دشمن دانسته شد، نگاه انسان به واقعیت، نگاه درستی خواهد شد؛ نگاه نافذی خواهد شد.

یا در زمینه‌ی سیاست خارجی، سیاست بین‌المللی، در بعضی از همین مطبوعات خودمان هم شما دیدید؛ در اظهارات سال گذشته‌ی بعضی از اصحاب فتنه هم مشاهده کردید؛ هی تکرار می‌کردند که آقا ما در دنیا ذلیل شدیم، جمهوری اسلامی در دنیا بی‌آبرو شده، بی‌ارزش شده، چه شده، چه شده. امروز وقتی به واقعیت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم روزبه روز آبروی جمهوری اسلامی در میان ملت‌های گوناگون دنیا - مسلمان و غیر مسلمان - افزایش پیدا کرده است. دشمنان ملت ایران این را می‌دانند، می‌فهمند، احساس می‌کنند؛ البته کتمان می‌کنند^۴.

بیش فعالی جبهه استکبار

به نظر من، باید از این دید به این حوادث تلخ نگاه کرد. نه تنها این که اهانت به قرآن کار کوچکی نیست بلکه خیلی بزرگ، خیلی زشت، خیلی ننگین است؛ **اما برای ما باید زنگ بیدار باش باشد**، باید حواسمان را جمع کنیم، بفهمیم که: «من نام لم ینم عنه»^۵ اگر ما بیدار و هوشیار نباشیم، جبهه‌ی دشمن، پشت سنگر خودش معلوم نیست خواب رفته باشد؛ او بیدار است، علیه ما توطئه خواهد کرد.

به نظر من، فتنه‌ی سال ۸۸ هم همین بود؛ برای ما یک زنگ بود، یک زنگ بیدار باش بود. بعد از آن که در یک انتخاباتی، چهل میلیون شرکت می‌کنند و همه‌ی ما تا آخر شب، خوشحال، خرسند بودیم که پای صندوق‌های رأی، مردم جمع شدند و تا آخر شب رأی دادند – و البته هنوز عدد گفته نشده بود و همه‌هم لذت می‌بردند – ناگهان از یک گوشه‌ای، فتنه‌ای شروع می‌شود؛ ما را بیدار می‌کند؛ می‌گوید: به خواب نروید، غفلت نکنید، خطرهایی در مقابل شما وجود دارد و آن خطرها این‌هاست. به نظر من، همه‌ی حوادث را این‌جوری باید نگاه کرد.

در مسائل جهانی آن چیزی که از همه واضح‌تر و بارز‌تر است، بیش فعال شدن جبهه‌ی مقابله ماست. بیماری بیش فعالی یکی از بیماری‌های کودکان و نوجوانان است. بیش فعالی معناش این است که تحرک آن‌ها زیاد است و کارهای گوناگون انجام می‌دهند، اما متمرکز و هدفدار نیست و به این در و آن در می‌زنند. تحرک آن‌ها زیاد اما بدون هدف و غالباً همراه با ناکامی است. این حالت بیش فعالی است. انسان این حالت را امروز در جبهه‌ی مقابله دشمن مشاهده می‌کند. آن‌ها مشغول تحرکات گوناگون‌اند: تحریم، قطعنامه، تهمت، جوسازی علیه نظام اسلامی، تقویت معارضان داخلی و به اصطلاح ورزشکارها، دوپینگ کردن معارضین داخلی، که این‌ها را همین طور هی با آمپول‌های نیروزا که هیچ تأثیری هم در تقویت واقعی ندارد و فقط ظاهراً او را فعال می‌کند، هی تزریق کنند.

پارسال در همان بحبوحه‌ی جریان فتنه‌ی سال ۸۸ شنیدید که یکی از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی که در ارتباط با معارضین، فعال بود (از جمله خبرهای اینجا را ببرند، دستورهای آن‌جا را برسانند، همین طور شلوغ کنند، فضا را چه کنند) می‌خواست موقتاً برای تعمیرات کارش را تعطیل کند، دولت آمریکا مانع شد، گفت شما اگر الان، ولو برای تعمیرات، تعطیل وقت بکنید این به معارضین داخل ایران ضرر می‌زند. جلویش را گرفتند. یعنی تعطیلی وقت را به این شبکه‌ی اجتماعی اجازه ندادند. یعنی کمک‌های اینجوری بود. و انواع و اقسام کمک‌ها و اعانت‌هایی که به این‌ها می‌شود.

امروز، همه‌ی وسائل ارتباطی؛ وسائل سیاسی؛ وسائل فرهنگی؛ وسائل اقتصادی را به کار گرفتند، برای این که تحریم‌ها در حق ایران کهنه نشود و وسط راه از کار نیفتند. دولت آمریکا یک مأمور عالی‌رتبه‌ی اقتصادی و پولی خودش را مخصوصاً مأمور این کار کرده و وظیفه‌اش این است که کمیته‌هایی را هدایت کند، به این طرف و آن طرف دنیا مسافت کند، با سران و رهبران کشورها تماس بگیرد و دائم

کشورهای دیگر را علیه ایران وادار کنند. این بیش فعالی نظام استکبار و جبهه‌ی مقابل نظام اسلامی، امروز به نظر من بارزترین حوادث است.

بنابراین، حوادثی از قبیل آنچه در این مدت برای ما اتفاق افتاده است - چه قطع‌نامه‌ی ۱۹۲۹، چه این مسئله‌ی اهانت به قرآن کریم، چه اظهارات صریحاً خصم‌نامه‌ای که علیه جمهوری اسلامی می‌کنند، چه آنچه در سال ۸۸ گذشت، که این هم بلاشک و به طور واضح دست دشمنان مستکبر در این جریان عیان بود - این‌ها همه‌اش به خاطر این است که آن طرف احساس می‌کند که این طرف قوی شده است. این قدرت و قوت و استحکامی که در این طرف به وجود آمده، آن طرف را می‌ترسند و در اظهارات خودشان هم هست و دارند می‌گویند: اگر این کار را نکنیم، ایران قدرت اول خاورمیانه می‌شود؛ اگر این کار را نکنیم، نفوذ ایران در خاورمیانه زیاد می‌شود؛ از این حرف‌ها می‌زنند؟



ایستادگی مردم

یک نگاه به وضعیت خود ما، یعنی وضعیت جمهوری اسلامی داشته باشیم. چه در داخل، چه در خارج. به نظر من در این سه دهه‌ی پر افتخاری که بر نظام جمهوری اسلامی گذشته است، حملات زیادی به ما شد؛ حملات ساختارشکنانه، حملات معارضه‌ی جدی با هویت اسلامی، روح اسلامی، روح انقلابی. حمله‌های بسیاری در این سی سال به ما شده است. به شعار هامان دست‌اندازی کردند و شعار آنها را تحریف کردند، خیلی اوقات شعار هامان را به غلط معنا کردند. خیلی اوقات تلاش شد- تلاش‌های سازمان‌دهی شده، نه تلاش فردی- برای این که مردم را نسبت به اصل انقلاب مسئله‌دار کنند. در آن گذشته‌ای که چندان هم از ما دور نیست، بارها قانون‌شکنی کردند، بارها برای قانون‌شکنی‌ها عنوانین و ظواهر و بهانه‌های موجه درست کردند، تراشیدند؛ کارهای گوناگونی انجام گرفت. ولی مردم و انقلاب ایستادند؛ انقلاب ایستاد، مردم ایستادند، مسئولین مؤمنی که در میان این مجموعه‌ی عظیم حضور فعالی داشتند، ایستادند، روشنگری کردند، و بحمد الله انقلاب پیش رفت و نتوانستند کاری انجام بدھند. لذا شما ملاحظه کردید مردم در این انتخابات اخیر به حرف‌های دارای صبغه‌های غیر اسلامی و غیر دینی دل ندادند. این‌ها خیلی مهم است. مردم رفتند سراغ آن کسی که شعارهای انقلابی، شعارهای اسلامی، تجمل گرائی، شعارهای عدالت اجتماعی می‌داد. این نشان‌دهنده‌ی بیداری مردم است. مردم این‌ها را دوست دارند. مردم به ما احترام می‌گذارند، چون اسلام را دوست دارند، ما را مظہر اسلام و مبین اسلام می‌دانند.

این خصوصیت مردم ماست. این خیلی اهمیت دارد. سی و یکی دو سال دائم علیه انقلاب کار شده، در عین حال مردم ایستاده‌اند و شعارهای انقلاب، امروز زنده است. حرف‌های امام، امروز حرف‌های رایج است؛ سکه‌ی رایج است. کسانی که می‌خواهند در بین مردم سری بلند کنند، حرف‌های امام را تکرار می‌کنند؛ خودشان را مستند به امام نشان می‌دهند. یک روز خلاف این بود؛ یک روزی که چندان دور نیست از ما، کسانی بودند که تظاهر می‌کردند به مخالفت با امام؛ رفتند گفتند انقلاب دفن شد! صریحاً اعلام کردند. عده‌ای گفتند که بایستی مردم را از خدا جدا کرد! این‌ها را صریح پشت بلند گو آن روز می‌گفتند. امروز جرئت نمی‌کنند این‌ها را بگویند. امروز آن کسانی که با مردم می‌توانند حرف بزنند، تربیون دارند- یا از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند- دم از امام، انقلاب و شعارهای امام می‌زنند؛ حالا با شیوه‌های خاص. این خیلی مهم است. این نشان‌دهنده‌ی این است که سکه‌ی رایج در کشور و روش مقبول، روش امام است و راه انقلاب است. این خیلی چیز بزرگی است.

گفتیم مردم ایستادند، آخرین نمونه‌اش هم همین فتنه‌ی سال ۸۸ بود؛ مردم در مقابل آن ایستادند. همان کسانی که به کسان دیگری غیر از منتخب رأی داده بودند، همان‌ها هم در مقابل آن‌ها ایستادند. لذا دیدید در ۹ دی، در ۲۲ بهمن، همه آمدند و شرکت کردند. این نشان‌دهنده‌ی این است که فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان یک اقلیت محدودند؛ متنها دروغ گفتند، خواستند مردم را دنبال خودشان بکشانند. اول کار موفق هم شدند؛ بعد که چهره‌شان آشکار شد، نقابشان در خلال حرف‌ها و کارهای گوناگون افتاد، مردم از این‌ها رو بر گردانند. بنابراین، مردم ایستاده‌اند^۷.

اخلاص در کنار بصیرت

عزیزان بسیجی این را قدر دانسته و ارکان بسیجی بودن را در خودشان تقویت کنند. بسیجی بودن ارکانی دارد و همه‌ی ما باید این ارکان را روزبه‌روز در خودمان تقویت کنیم. جوانان عزیز! بارها گفتیم که در درجه‌ی اول، روحیه‌ی اخلاص و روحیه‌ی بصیرت است. این **اخلاص و بصیرت روی هم تاثیر گذارند**. هرچه بصیرت شما بیشتر باشد، شما را به اخلاص عمل نزدیک‌تر می‌کند. هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر می‌کند. «الله ولیَّ الَّذِينَ امْنَوْا بِخُرُوجِهِمْ مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ خدا ولی شماست. هرچه به خدا نزدیک‌تر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می‌بینید. نور که بود، انسان می‌تواند واقعیات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیات را هم نمی‌تواند ببیند؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِيمُ الطَّاغُوتِ يَخْرُجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ». وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد، وقتی هواهای نفس - که طاغوت حقیقی‌اند و در وجود خود ما بدتر از فرعون‌اند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاهطلبی‌ها و حسادت‌ها و دنیاطلبی‌ها و هواپرستی‌ها و شهوترانی‌ها جلوی چشم ما را بگیرند، واقعیات را هم نمی‌توانیم مشاهده کنیم.

دیدید بعضی‌ها نتوانستند واقعیات جلوی چشم را ببینند، نتوانستند تشخیص بدهند. در فتنه‌ی طراحی‌شده‌ی پیچیده‌ی سال ۸۸ حقایقی جلوی چشم مردم بود؛ نگذاشتند یک عدد ای این حقایق را ببینند، بفهمند؛ بنابراین ندیدند، نفهمیدند. وقتی در یک کشور فتنه‌گرانی پیدا می‌شوند که برای جاهطلبی خودشان، برای دست یافتن به قدرت، برای رسیدن به اهدافی که به صورت آرزو در وجود خودشان متراکم و انباشته کردند، حاضر می‌شوند به مصلحت یک کشور، به حقانیت یک راه پشت کنند و لگد بزنند؛ کاری می‌کنند که سردمداران غربی و دشمنان درجه‌ی یک ملت ایران به هیجان می‌آیند و سر شوق می‌آیند و از آن‌ها حمایت می‌کنند، این یک حقیقت روشن است؛ این چیزی نیست که وقتی نور هست، انسان آن را نبیند؛ اما بعضی ندیدند و اکنون هم بعضی نمی‌بینند، بعضی در ک نمی‌کنند؛ بعضی به خاطر ظلمت دل، حتی در ک هم می‌کنند، اما حاضر نیستند به این فهم ترتیب اثر بدهند؛ این‌ها همه عوارض هوای نفس است؛ این‌ها همه نتیجه‌ی امر و نهی همان فرعون درونی ماست، همان فیل مست هوا و هوس است که شرع مقدس چکشی از تقوای و ورع به دست مؤمن می‌دهد که بر سر این فیل مست بکوبد و او را آرام کند. اگر توانستیم این را در وجود خودمان آرام کنیم، آن وقت دنیا نورانی خواهد شد، همه چیز را می‌بینیم، چشم ما می‌بینیم؛ اما وقتی هواپرستی باشد، چشم در دیدن آن عاجز مانده و نمی‌بینند. شما که بسیجی هستید، جوان هستید، دل‌های شما پاک و نورانی است، با صفاتی باطن خودتان می‌توانید این روحیه را، این حالت را در خودتان تقویت کنید. بسیجی باصفاست، نورانی است.^{۱۴}

کشور واکسینه شد

اگر حضور مردم نمی‌بود، اگر فاصله بین مردم و نظام ایجاد می‌شد، نظام نمی‌توانست در مقابل دشمنان مقاومتی بکند. این حضور مستحکم مردم است که پشتوانه‌ی ایستادگی مسئولان است. این، دو تا دین و مردم نقطه‌ی اصلی است. لذا دشمن هم همین‌ها را آماج حملات خود قرار داده است؛ دین را یک جور، وفاداری و اعتقاد مردم را یک جور. این‌که شما ملاحظه می‌کنید از سال‌های دهه‌ی ۶۰، از دوران حیات با برکت امام، چه دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بی‌مزد و منت آن‌ها از داخل، مقدسات دینی را، حقایق دینی را، بیانات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار دادند، این یک چیز تصادفی نبوده است؛ بلکه روی این تکیه داشته‌اند. این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلم‌های ضد اسلام هالیوودی، کاریکاتورها، قرآن‌سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوش و آن گوش اتفاق افتاد، برای این‌که ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، به خصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه‌ی بی‌بندوباری و ابا‌حیگری، تا ترویج عرفان‌های کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه‌ی کلیساهاخانگی؛ این‌ها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کنند.

در زمینه‌ی تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام هم کارهای زیادی می‌کنند: شایعه‌ی سازند، برای این‌که مردم را از مسئولین کشور، از رؤسای قوا مأیوس کنند. تخم بدینی می‌پردازند. هر کار شایسته‌ی باارزشی که در سطح کشور انجام بگیرد، این را در وسائل تبلیغات گوناگون مورد تردید قرار می‌دهند. اگر ضعف‌هایی هست، چند برابر می‌کنند و نقاط قوت را نشان نمی‌دهند، برای این‌که مردم را و به خصوص نسل جوان را ناامید کنند، افق آینده را در مقابل نسل جوان و مردم تیره و تار نشان می‌دهند، برای این‌که مردم را از صحنه خارج کنند.

لیکن نکته‌ی اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه‌ی تلاشی را که در این دو مورد انجام داده‌اند، سرمایه‌گذاری‌های خسارت‌باری بوده است، ولی نتیجه‌ای نگرفته‌اند و شکست قطعی خورده‌اند. آن‌ها خیال می‌کردند می‌توانند مردم را از نظام اسلامی جدا کنند. روزبه روز که گذشته است، می‌بینید مردم پایندی‌شان به مسائل دینی و ارزش‌های معنوی بیشتر شده است. کی در کشور ما این همه جوان در مراسم معنوی و عبادی ماه رمضان، در روز عید فطر شرکت می‌کردند؟ این اجتماعات عظیم، این روشن‌بینی مردم در زمینه‌ی مسائل سیاسی، سابقه نداشته است. بعد از اهانتی که در روز عاشورای سال ۸۸ به وسیله‌ی یک عده تحریک شده نسبت به امام حسین(ع) انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم در روز ۹ توی خیابان‌ها آمدند و موضع صریح خودشان

را علنی ابراز کردند. دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط نتوانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشاند، بلکه روزبه روز این احساسات تندتر و این معرفت عمیق‌تر شده است.

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور به پای صندوق‌های رأی رفتند. در واقع یک رفراندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین برند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه‌ی سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروب‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که می‌تواند اثر بگذارد، مجهز کرد، بصیرت مردم را بیشتر کرد.^۹



بصیرت، شرط لازم و غیر کافی!

در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری می شود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیر المؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حادثی که پیامون او می گذرد و در حادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می کند، تدبیر کرده و سعی کند از حادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند. به تعبیر امیر المؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر»^{۱۰} فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. درست نگاه کردن به حوادث، درست سنجیدن و تدبیر کردن در آنها، در انسان بصیرت ایجاد می کند؛ یعنی بینائی ایجاد می کند و انسان چشمش به حقیقت باز می شود.

یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد: گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطأ و اشتباه ادامه پیدا می کند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است. در اینجا عواملی وجود دارد: یکی اش مسئله‌ی نبود عزم و اراده است. بعضی‌ها حقایقی را می دانند، اما برای اقدام؛ برای اظهار؛ برای ایستان در موضع حق و دفاع از حق تصمیم نمی گیرند. البته این تصمیم نگرفتن هم علی دارد: گاهی عافیت طلبی، گاهی تنزه طلبی، گاهی هوای نفس، گاهی شهوت، گاهی ملاحظه منافع شخصی خود است، گاهی لجاج است. یک حرفی را زده است، می خواهد پای این حرف بایستد، به خاطر این که ننگش می کند از حرف خودش بر گردد؛ که فرمود: «لعن الله اللجاج»؛ لعنت خدا بر لجاجت.

افرادی هستند اطلاع هم دارند، واقعیت را هم می دانند؛ در عین حال کمک به جهت گیری‌های مخالف، جهت گیری‌های دشمن می کنند. خیلی از این کسانی که پشیمان شدند و راه را برگشتند، یک روزی به شکل افراطی انقلابی بودند؛ اما یک روز شمامی بینید درست در نقطه‌ی مقابل آن روز ایستانه‌اند و در خدمت ضد انقلاب قرار گرفته‌اند! این به خاطر همین عوامل است: هواهای نفسانی، شهوت نفسانی، غرق شدن در مطالبات مادی. عامل اصلی این‌ها هم، غفلت از ذکر پروردگار، غفلت از وظیفه، غفلت از مرگ و غفلت از قیامت است. این‌ها موجب می شود که به کلی صدو هشتاد درجه جهت گیری‌شان عوض شود.

... من می خواهم به شما جوان‌ها عرض کنم؛ شما برای این که ایران اسلامی را بسازید، یعنی هم ملت و میهن عزیز و تاریختان را سربلند کنید، هم وظیفه‌ی خودتان را در مقابل اسلام باعظمت انجام دهید - که امروز اگر کسی برای سربلندی ایران اسلامی تلاش کند، هم به میهن، به ملت، به تاریخ خود خدمت کرده است، هم به اسلام عزیز که مایه‌ی نجات بشریت است، خدمت کرده - باید بیدار، هوشیار و در صحنه باشید، باید بصیرت را محور کار خودتان قرار دهید. مواطن باشید دچار بی بصیرتی نشوید!^{۱۱}.

غلبه با ماست

همیشه با عکس‌العمل‌های دشمنان می‌توان اهمیت کارها را تشخیص داد؛ این یکی از راه‌های تشخیص اهمیت مطالب، اهمیت اقدامات و اهمیت موضوعات است. اگر فرض بفرمایید شما در خیابان که دارید حرکت می‌کنید، یک کسی یک تنہ‌ی مختصری به شما بزند، عکس‌العملی نشان نمی‌دهید؛ اما اگر چنان‌چه تعرضی بکند، با مشت، با دست، با حریبه به شما حمله کند، شما از خودتان عکس‌العمل نشان می‌دهید، تحرک نشان می‌دهید. این نشان‌دهنده‌ی این است که حرکتی که عليه شما انجام گرفته است، در آن نوع اول ناچیز است، قابل اعتنا نیست ولی در نوع دوم مهم است. عکس‌العمل‌ها می‌توانند عظمت کارها را یا بی‌اهمیت بودن کارها را مشخص کند.

در سرتاسر قضایای انقلاب، چه مسائل بزرگ، چه مسائل کوچک، چه حوادث روزمره، چه مسائل کلان و مستمر، انسان این قاعده را جاری و ساری می‌بیند. خود عکس‌العملی که عليه انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در دنیا کفر و استکبار به وجود آمد، نشان‌دهنده‌ی عظمت قضیه است.

این مسئله که از روز اول تشکیل جمهوری اسلامی، دستگاه‌هایی که قدرت دنیا، پول، سلاح، تبلیغات دست آن‌هاست، رسانه‌ها متعلق به آن‌هاست، یک پارچه علیه این نظام شروع به اقدام‌های گوناگون کردند، نشان‌دهنده‌ی این است که این حادثه برای متولیان ظلم و استکبار جهانی، حادثه‌ی بسیار عظیمی است و برایشان تحمل ناپذیر است. همین جور هم هست؛ چون اسلام دین عدل انسانیت است و از همه مهمتر اسلام دین مقابله‌ی با بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌ها و حق‌کشی‌هاست. خوب، کسانی که همه‌ی وجودشان حق‌کشی است، همه‌ی وجودشان ظلم است، فلسفه‌ی پیدایش آن‌ها سرکوب زدن به انسان‌ها و عواطف انسان‌ها و موجودیت انسان‌هاست، قهراً از حضور اسلام متوجه می‌شوند، بی‌مانک می‌شوند و با آن مقابله می‌کنند. علت مقابله‌ی با جمهوری اسلامی این است. البته بهانه‌ها درست می‌شود؛ هر چندی یک بار یک بهانه‌ای درست می‌کنند؛ اما حقیقت قضیه این است.

اسلام و جمهوری اسلامی یک راه نویی را به بشریت ارائه کرد؛ یک حرکت نویی را به ملت‌ها ارائه داد؛ نشان داد که یک ملتی با این که آن‌چنان سلاحی ندارد، با اینکه آنچنان امکانات مادی‌ای ندارد، می‌تواند در مقابل قدرت‌ترین حکومت‌های دنیا مقاومت کند، بایستد، زیر بار زور آن‌ها نرود، راه خود را دنبال کند، پرچم عدل و انصاف و انسانیت را بلند کند. این در دنیا عصر جدید یک چیز نویی است؛ این را شما ایجاد کردید. در همه‌ی قضایای گوناگون انقلاب همین است.

در مورد خود شما مردم قم، حساسیت در بین دشمنان کشور و دشمنان انقلاب خیلی زیاد است. این‌ها با قم و قمی و حوزه‌ی علمیه و جوان‌های قم و روحيات مردم قم به شدت بدند، مخالف‌اند؛ چرا؟ چون از قم سیلی خوردنند. استکبار، جبهه‌ی ضد اسلام، جبهه‌ی ضد ملت ایران از قم سیلی خورده است. یکی از مواردی که سیلی خورده، همین نهم دی است. مردم قم زودتر از دیگران احساس

تکلیف کردند، اوضاع را شناختند، مسئولیت را حس کردند و به میدان آمدند؛ این‌ها خیلی مهم است. هم شناختن اوضاع مهم است - بصیرت می‌خواهد - هم احساس تکلیف کردن؛ روح تعهد و ایمان می‌خواهد که انسان احساس تکلیف کند. بعضی هستند، می‌بینند حوادث تکان‌دهنده را، می‌بینند نقشه‌های دشمن را؛ اما احساس تکلیف نمی‌کنند، تکان نمی‌خورند. بعضی هستند، می‌بینند که دشمن جبهه‌آرائی کرده است. خوب، وقتی دشمن جبهه می‌آراید، باید ما هم در مقابل جبهه آرایی کرده و احساس تکلیف کنیم؛ این لازمه‌ی تعهد و ایمان است. بعضی این احساس را ندارند. البته در ملت عزیز ایران این روحیه هست و با حرکت اسلامی و نهضت اسلامی تقویت شد، ریشه‌دار گردید و در انقلاب خودش را نشان داد؛ لیکن در جاهای مختلف بود. قمی‌ها جلو بودند. در نهم دی احساس تکلیف کردند و آمدند توی میدان. خوب، میدان هم میدان آسانی نبود - میدان سختی بود - مواجهه‌ی با گلوله بود، مواجهه‌ی با سرکوب خشن دستگاه پلیس و امنیت رژیم طاغوت بود، به کسی رحم نمی‌کردند؛ اما قمی‌ها داخل میدان آمدند.

این بصیرت، این احساس تکلیف، این حضور در میدان، سیلی محکمی بود به دشمنان؛ همین بود که ناگهان پاسخش از تبریز بلند شد، از آن طرف در یزد بلند شد، از آن طرف در شهرهای دیگر بلند شد؛ لذا این حرکت عظیم که زمینه‌هایش را امام بزرگوار ما در طول چندین سال آماده کرده بود، به وجود آمد؛ این سیلی خود یک است. دشمن وقتی سیلی می‌خورد، کینه به دل می‌گیرد و مقابله می‌کند. حالا ما که می‌خواهیم خودمان را ارزیابی کنیم، باید محاسبه کنیم. وقتی دشمن در مقابل ما بشدت دندان نشان می‌دهد، ما باید احساس کنیم که می‌توانیم به این دشمن ضربه بزنیم؛ پس توانایی‌های ما بالاست.

همین حرکتی که مردم عزیز قم در سفر چند روزه‌ی این بندۀی حقیر انجام دادند، حوزه‌ی علمیه، علماء، جوان‌ها انجام دادند، سیلی بر دشمن بود و دردشان آمد. آن‌ها نشان دادند که در مقابل این قدرت‌نمایی، این بصیرت، این حضور همه‌جانبه‌ی مردم آسیب‌پذیرند؛ این برای ما ملت ایران درس است.

هر جائی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدھیم - یعنی همان بصیرت - و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ «فاما دخلتموه فانکم غالبون». ^{۱۲} وقتی با ایمان و با بصیرت وارد میدان مواجهه شدیم، غلبه با شماست، شما برندۀ هستید؛ چرا؟ چون طرف مقابل شما ایمان، دین و انگیزه‌ی عمیق معنوی ندارد. آن کسانی که عوامل میدانی او هستند، مزدورند، فریب خورده‌اند؛ خود نقشه‌دارها و صحنه‌گردان‌ها هم که مردمان بی‌ایمانی هستند. وقتی با ایمان وارد میدان می‌شوید، شما برندۀ‌اید؛ این برای ملت ایران تجربه است.

در طول این سی و یکی دو سال، ملت ایران با این تجربه توانسته است کارهای بزرگی بکند؛ هم توانسته خود را از لحاظ معیارهای مادی بالا بکشد - همین پیشرفت‌های علمی، همین پیشرفت‌های فناوری، همین اشتغال دائم به کار در سرتاسر کشور، نشانه‌های پیشرفت مادی است - هم از لحاظ معنوی توانسته است خود را به یک سطح عالی و راقی برساند. ما آیات‌الله‌ی را که همانا نشانه‌های کمک خداست را دیدیم. قبل‌ها کمک‌الله‌ی و پشتیبانی دست قدرت خداوند را فقط در کتاب‌ها می‌خواندیم؛ امروز در صحنه حس کرده و لمس می‌کنیم؛ همان طور که امام بزرگوار ما این را لمس کرده بود و به ما فرمود. دل او قرص بود، چون دست قدرت‌الله‌ی را می‌دید.

ملت ایران در میدان‌های گوناگون، کمک الهی را، حمایت الهی را المحس کرده است، حس کرده است؛ وقتی توی صحنه است، وقتی آماده‌ی مجاہدت است؛ در جنگ تحمیلی یک جور، در قضایای گوناگون یک جور، در تحرکات سیاسی و در فتنه‌ها یک جور. در همین فتنه‌ی سال ۸۸ دست قدرت الهی بود؛ مردم بیدار شدند، مردم وارد صحنه شدند و یک حرکت عظیم را خنثاً کردند.

هنوز، برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه‌ای که دشمن طراحی کرده بود، خیلی جا وجود دارد. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ منتها، محاسباتش غلط از آب درآمد. زیرا ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه‌ی چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان می‌گوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن این‌ها را وسط صحنه هل داد. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلاfacسله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگرانی بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آن‌ها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود. برنامه این بود نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند. طراحی این بود که اگر توانستند قاعده‌ی دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند، که بعد از آن، راه حرکتشان روشن بود که چه کار می‌کردند؛ اگر هم قاعده‌ی حکومت و دولت طبق میل آن‌ها چیده نشد و برایشان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشانند؛ با خیال خودشان - من یک وقتی گفتم - کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند؛ مثل سایه‌هائی که حرکت یک قهرمان را تقلید می‌کنند، ادای قهرمان‌ها را، ادای انقلاب را در بیاورند؛ برنامه‌شان این بود. ملت ایران توی دهن این‌ها زده و بساط این‌ها را جمع کرد.

امروز انقلاب جمهوری اسلامی، ملت ایران، خط صحیح دین در این کشور، از پیش از قضایای سال گذشته به مراتب قوی‌تر و روشن‌تر است. علت همین است: خدای متعال هر امتحانی که می‌کند، یک نمره می‌دهد. وقتی در یک امتحانی، یک کسی، جمعیتی، ملتی قبول شدند، خدای متعال به این‌ها نمره می‌دهد؛ نمره این است که اینها را بالا می‌برد. امتحان‌های الهی این‌جوری است. همین طور که اگر در امتحان بد عمل کنیم و امتحان را ببازیم، خدای متعال نمره‌ی مردودی می‌دهد و آن مردودی عبارت است از تنزل و انحطاط - انسان از آنی که بود، بدتر می‌شود - در قبولی هم همین جور است؛ ملت‌ها را بالا می‌برد.

در یک دوره‌ای مردم در یک امتحانی شکست خوردند، امیرالمؤمنین را در محراب عبادت به خون کشیدند. چه امتحان بدی بود. چرا باید وضع جامعه‌ای به آنجا برسد که کسی مثل آن مجسمه‌ی عدالت و معنویت و توحید، به دست اشقی‌الناس به خون کشیده شود؟ این نشان‌دهنده امتحان بدی بود که مردم دادند. وقتی این امتحان را دادند، مردود شدند؛ لذا خدا این‌ها را پائین آورد؛ کارشان به آن‌جا رسید که حسین بن علی(ع) را جلوی چشم آن‌ها کشتد!

وقتی امتحان خوب بدهید، خدا شما را بالا می‌برد. امروز خط اسلام، خط ایمان بالله، خط انقلاب در کشور و در میان ملت، خیلی قوی‌تر، پررنگ‌تر و بالاتر است از آنچه که قبل از این فتنه بود. چرا؟ چون مردم، خوب امتحان دادند. این، نمره‌ی الهی است. این شد برای ما دستورالعمل. در همه‌ی قضایا باید این‌جوری عمل کرد. باید درست دید، درست سنجید، درست محاسبه کرد. مواطن باشیم در تشخیص اشتباه نکنیم؛ قضایای اصلی را با قضایای فرعی جابه‌جا نکنیم؛ چیزهای بزرگ، حوادث بزرگ و مهم را کوچک نبینیم و در مقابل، حوادث کوچک را بزرگ

بینگاریم؛ باید درست تشخیص بدھیم. این قدم اول. بعد هم احساس مسئولیت کنیم. یک ملت زنده، حیات طیبه‌اش این است. حیات طیبه‌ای که خدای متعال به مؤمنین و عده داده است - «و لنجینه حیا طیب»^{۱۳} - یعنی اینکه همین طور روزبه روز در امتحان‌های گوناگون، حرکت کردن و پیش رفتن. آن کسانی که در خلال این راه از دنیا می‌روند، به لقای الهی می‌رسند، مراتب بالای سعادت را دارند؛ آن کسانی هم که می‌مانند، همین طور در دنیا هی پیشرفت معنوی و مادی می‌کنند. پیشرفت مادی هم هست.

ملت ایران یک راهی را شروع کرده است، در امتحان‌های بسیاری پیروز شده است. امتحان جنگ تحمیلی، یک امتحان بزرگ بود؛ ملت در این امتحان پیروز شد. نه فقط پیروزی در جنگ - که آن بود - مهم‌تر از آن، پیروزی در معیارهای معنوی و الهی بود؛ چون، ایثار، بصیرت، فداکاری، آمادگی خود را برای حرکت در راه خدا نشان داد. خدای متعال این ملت را ترقی داد و بالا برد، تا امروز. بعد از این هم همین است. دشمنانی که به مصاف ملت ایران می‌آیند، این حقایق را نفهمیده و در ک نمی‌کنند.

امروز ملت ایران در سیاست‌های داخلی خودش؛ در سیاست خارجی؛ در تأثیرگذاری بر روی منطقه؛ در تأثیرگذاری بر روی مسائل مهم جهانی هم مقتدر است؛ این‌ها یک واقعیاتی است که حقیقت دارد. دشمن از همه‌ی این راه‌ها می‌خواهد وارد شود که با ملت ایران در بیفتد، نگذارد، مانع برداشده؛ البته نخواهد توانست. دشمن می‌خواهد در زمینه‌ی اقتصادی مردم را دچار مشکل کند، مسئولین کشور را دچار زحمت کند؛ همین تحریم‌ها و این حرف‌ها که می‌شنوید. خوب، نتوانستند. در قضایای خارجی سعی می‌کنند کشورها را، دولتها را، حکومتها را، ملت‌ها را از ایران بترسانند. همه‌ی این تبلیغات پر حجمی که در زمینه‌ی حقوق بشر، در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، در زمینه‌ی بمب اتم خیالی، آمریکائی‌ها، صهیونیست‌ها می‌کنند، اروپائی‌ها دنباله‌رو آن‌ها هستند، بعضی از دولت‌های حقیر و بیچاره هم دنباله‌رو آن‌ها هستند، برای این است که ذهنیت دنیا را، ذهنیت منطقه را نسبت به ملت ایران خراب کنند؛ اما نتوانستند. دلیل نتوانستن این است که امروز در همین منطقه‌ی خود ما آمریکا در قضایای فلسطین، در قضایای لبنان، در قضایای افغانستان، در قضایای عراق شکست خورد. از کی شکست خورد؟ از سیاست درست ملت‌ها. آن‌ها می‌گویند توی این قضایای گوناگون منطقه‌ای، طرف ما ایران است ولی ایران نیست. جمهوری اسلامی ایران تأثیرش، تأثیر معنوی است. بله، اقتدار جمهوری اسلامی ملت‌ها را بیدار می‌کند؛ شکی نیست. آن وقت نتیجه این می‌شود که دولتی در عراق سر کار می‌آید که آمریکائی‌ها همه‌ی تلاش خودشان را می‌کنند که این بر سر کار نیاید، اما به خاطر بیداری و هشیاری مردم سر کار می‌آید. تأثیر جمهوری اسلامی این جوری است. در جاهای دیگر هم همین جور است.

ما این راه را ادامه خواهیم داد. ما قله‌ها را شناختیم؛ می‌دانیم کجا می‌خواهیم حرکت کنیم؛ «لتکونوا شهداء على النّاس»^{۱۴}. این راه، راهی است که باید بتواند ملت ما را به اسلام ناب کامل برساند؛ که خیر دنیا و آخرت در آن است. حیات طیبه دنیا و آخرت در اسلام کامل است. ما هنوز اوائل راهیم. ما خیلی نقص داریم. ما با آن اسلام کامل خیلی فاصله داریم. راه ما این است. این قله‌ها را شناختیم؛ خدای متعال بحمدالله راه را هم به ما نشان داده است؛ عزم و اراده‌ی ملت ایران و مسئولین کشور هم برای حرکت در این راه، عزم و اراده‌ی خوبی است، عزم و اراده‌ی قوی‌ای است.

البته باید بیدار باشیم. همه باید بیدار باشند. نمی‌خواهیم و نباید بالش نرم زیر سرمان بگذاریم، برای خودمان لالائی بخوانیم؛ هی بگوئیم دشمن شکست خورد، دشمن ضعیف است، ما قوی هستیم؛ این نباید ما را به خواب ببرد. ما باید بیدار باشیم؛ همان طور که امیرالمؤمنین فرمود: «وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرْقَ وَمِنْ نَامَ لَمْ يَنْمِ عَنْهُ». ^{۱۵} وقتی درگیری دارید، باید بیدار باشید. درگیری به اختیار من و شما نیست. دشمن می‌خواهد درگیری داشته باشد؛ حالاً درگیری سیاسی، امنیتی، اقتصادی. همه‌اش درگیری نظامی هم نیست. وقتی درگیری هست، باید بیدار بود. جوان‌ها بیدار باشند، روحانیت بیدار باشد، دانشگاهیان بیدار باشند، مسئولین کشور بیدار باشند. بیداری مسئولین به این است که هرچه می‌توانند، به مردم خدمت کرده و کار کنند؛ و هرچه می‌توانند، این یک پارچگی را-که مثل خاری در چشم دشمنان است- حفظ کنند^{۱۶}.

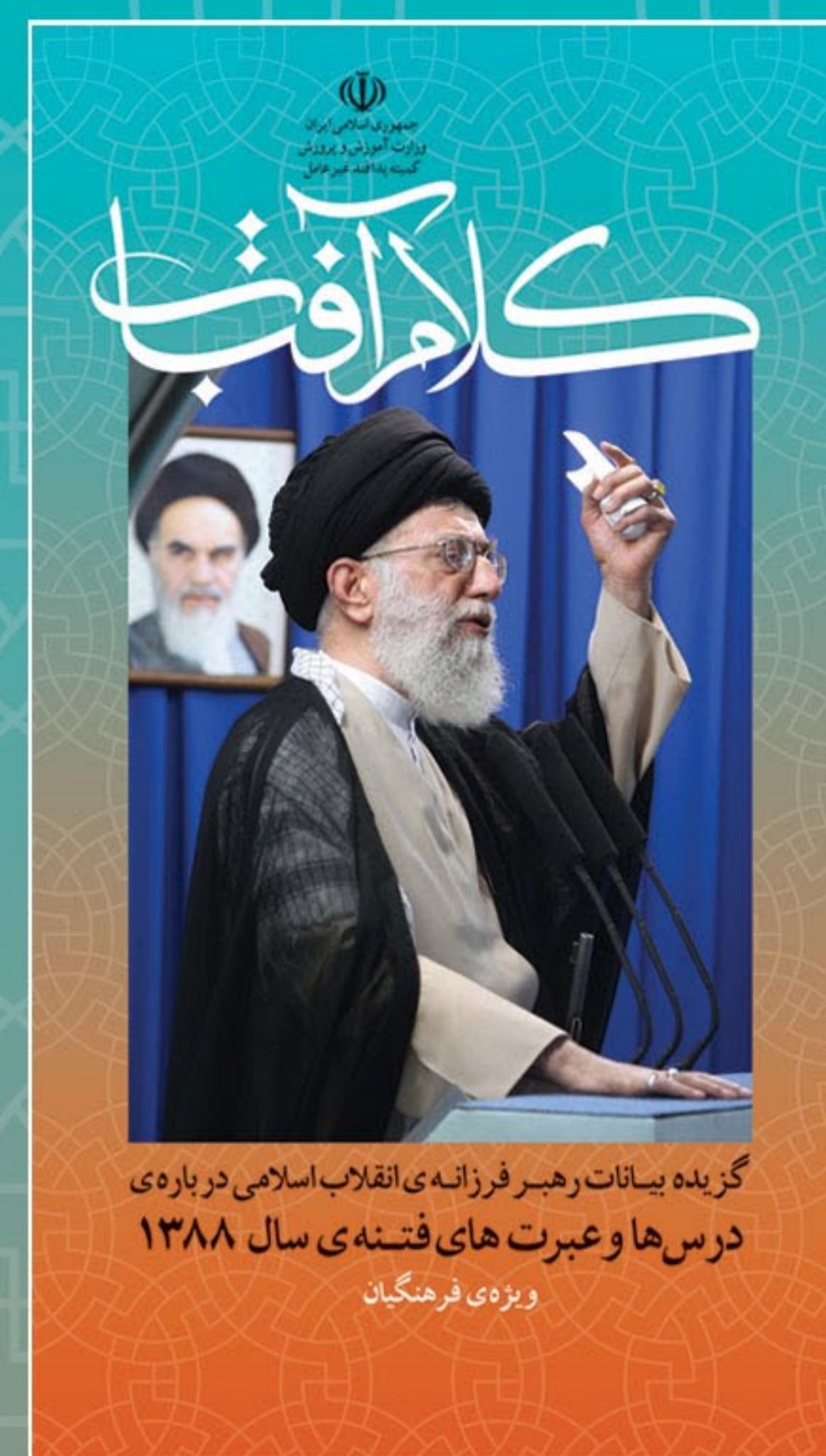
والسلام عليکم و رحمه الله

پی‌نوشت:

۱. بیانات معظم له در دیدار با مردم گیلان (۸۹/۱۰/۸)
۲. بیانات معظم له در دیدار با مردم اصفهان در روز عید قربان (۸۹/۸/۲۶)
۳. بیانات معظم له در دیدار دانش آموزان در آستانه ۱۳ آبان (۸۹/۸/۱۲)
۴. بیانات معظم له در دیدار بسیجیان استان قم (۸۹/۸/۲)
۵. نهج البلاغه: نامه ۶۲
۶. بیانات معظم له در دیدار رئیس و نماینده گان مجلس خبرگان رهبری (۸۹/۶/۲۵)
۷. بیانات معظم له در دیدار رئیس و نماینده گان مجلس خبرگان رهبری (۸۹/۶/۲۵)
۸. بیانات معظم له در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر (۸۹/۹/۴)
۹. بیانات معظم له در سالروز ولادت امام رضا(ع) در اجتماع بزرگ مردم استان قم (۸۹/۷/۲۷)
۱۰. نهج البلاغه: خطبه ۱۰۳
۱۱. بیانات معظم له در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم (۸۹/۸/۴)
۱۲. مائدہ / ۲۳
۱۳. نحل / ۹۷
۱۴. بقره / ۱۴۳
۱۵. نهج البلاغه: نامه ۶۲
۱۶. بیانات معظم له در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی (۸۹/۶/۲۵)







Graphic Designer: Ali Eskandari